

مقدمه‌ی تفسیر برخی از سوره‌های قرآن

ناصر سبحانی



www.ketab.ir

سرشناسه:

سبحانی، ناصر، ۱۳۳۰ - ۱۳۶۸.

عنوان و نام پدیدآور:

مقدمه‌ی تفسیر برخی از سوره‌های قرآن / ناصر سبحانی

مشخصات نشر:

تهران، نشر احسان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:

۱۷۶ ص.

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۴۳-۴

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیبای مختصر

شماره کتابشناسی ملی:

۳۸۶۵۰۴۷



مقدمه‌ی تفسیر
برخی از سوره‌های قرآن

ناصر سبحانی

چاپ اول، ۱۳۹۴، تهران
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۴۳-۴

همه‌ی حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان انقلاب، رویه‌روی دانشگاه تهران، مجتمع فروزنده،
طبقه‌ی اول، شماره‌ی ۴۰۶، تلفن: ۰۲۱۶۶۹۵۴۴۰۴

فهرست مطالب

۱۳	درباره‌ی کتاب
۱۵	سرآغاز
۳۷	سوره‌ی حمد
۳۷	محور سوره
۳۹	مقاطع آیه‌های سوره
۳۹	سبب نزول سوره
۴۰	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی و با همه‌ی سوره‌ها
۴۱	سوره‌ی بقره
۴۱	محور سوره
۴۲	مقاطع آیه‌های سوره
۴۲	مقدمه
۴۳	فصل اول
۴۳	فصل دوم

۴۴	فصل سوم
۴۵	فصل چهارم
۴۸	خاتمه
۴۹	چکیده‌ی سخن
۵۰	سبب نزول سوره
۵۱	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی
۵۳	سوره‌ی آل عمران
۵۳	محور سوره
۵۴	مقاطع آیه‌های سوره
۵۴	مقدمه
۵۴	فصل اول
۵۵	فصل دوم
۵۶	فصل سوم
۵۶	فصل چهارم
۵۷	فصل پنجم
۵۸	فصل ششم
۵۸	خاتمه
۵۸	چکیده‌ی سخن
۶۰	سبب نزول سوره
۶۱	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی
۶۳	سوره‌ی نساء
۶۳	محور سوره
۶۴	مقاطع آیه‌های سوره
۶۵	مقدمه
۶۶	فصل اول
۶۶	فصل دوم
۶۹	فصل سوم
۷۰	فصل چهارم

۷۲	فصل پنجم.....
۷۲	چکیده‌ی سخن.....
۷۳	سبب نزول سوره.....
۷۵	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی.....
۷۷	سوره‌ی مائده.....
۷۷	محور سوره.....
۷۸	مقاطع آیه‌های سوره.....
۷۹	فصل اول.....
۷۹	فصل دوم.....
۸۱	فصل سوم.....
۸۲	خاتمه.....
۸۳	چکیده‌ی سخن.....
۸۴	سبب نزول سوره.....
۸۶	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی.....
۸۷	مناسبت سوره‌ی حدیث با سوره‌ی انعام.....
۸۹	سوره‌ی انعام.....
۸۹	محور سوره.....
۹۱	مقاطع آیه‌های سوره.....
۹۱	فصل اول.....
۹۲	فصل دوم.....
۹۴	خاتمه.....
۹۴	چکیده‌ی سخن.....
۹۵	سبب نزول سوره.....
۹۸	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی.....
۱۰۱	سوره‌ی اعراف.....
۱۰۱	محور سوره.....
۱۰۲	مقاطع آیه‌های سوره.....

۱۰۳	مقدمه
۱۰۳	فصل اول
۱۰۳	فصل دوم
۱۰۷	خاتمه
۱۰۸	چکیده‌ی سخن
۱۱۱	سبب نزول سوره
۱۱۲	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی
۱۱۵	سوره‌ی الحال
۱۱۵	محور سوره
۱۲۰	مقاطع آیه‌های سوره
۱۲۰	فصل اول
۱۲۰	فصل دوم
۱۲۰	چکیده‌ی سخن
۱۲۱	سبب نزول سوره
۱۲۴	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی
۱۲۷	سوره‌ی توبه
۱۲۷	محور سوره
۱۲۸	مقاطع آیه‌های سوره
۱۲۸	فصل اول
۱۲۹	فصل دوم
۱۳۰	فصل سوم
۱۳۰	فصل چهارم
۱۳۳	خاتمه
۱۳۳	چکیده‌ی سخن
۱۳۶	سبب نزول سوره
۱۳۸	مناسبت سوره با سوره‌ی بعدی
۱۴۰	مناسبت سوره‌ی حمد با سوره‌ی یونس

۱۴۳	سوره‌ی یونس
۱۴۳	محور سوره
۱۴۵	مقاطع آیه‌های سوره
۱۴۵	فصل اول
۱۴۶	فصل دوم
۱۴۷	فصل سوم
۱۴۷	فصل چهارم
۱۴۸	خاتمه
۱۴۹	چکیده‌ی سخن
۱۵۲	سبب نزول سوره
۱۵۳	منازعت سوره یا سوره‌ی بعدی
۱۵۷	سوره‌ی هود
۱۵۷	محور سوره
۱۵۸	مقاطع آیه‌های سوره
۱۵۸	فصل اول
۱۵۹	فصل دوم
۱۵۹	فصل سوم
۱۶۰	چکیده‌ی سخن
۱۶۲	سبب نزول سوره
۱۶۵	نمونه‌هایی از متن دست‌نویس کتاب

درباره‌ی کتاب

کتاب حاضر، یکی از آثار دست‌نویس استاد ناصر سبحانی می‌باشد که طی سال‌های میانی دهه‌ی شصت به رشته‌ی تحریر درآمده است. این کتاب که بنا بوده مقدمه‌ی تفسیری باشد بر تمامی سوره‌های قرآن، به دلیل درگذشت استاد و عدم دسترسی وی به متن کتاب در یک‌ساز پایانی عمر خود، ناتمام مانده است و تنها تا اواسط سوره‌های قرآن را در برمی‌گیرد؛ سوره‌ای که حتی نگارش مقدمه‌ی تفسیر بر سوره‌ی «هود» نیز ناقص باقی مانده است.

بنا به شواهد و قراین و نیز حاشیه‌هایی که در حاشیه‌ی یادآوری نکاتی که پس از اتمام اصل متن کتاب، به صورت پاورقی به صورت مفصل نگاشته شود و طبعاً اثری از این پاورقی‌ها در متن نیست - در نسخه‌ی دست‌نویس متن به چشم می‌خورد، می‌توان گفت که بدون شک این متن، صرفاً یک دست‌نویس اولیه بوده که استاد هیچ مجالی برای بازخوانی، تنظیم و تنقیح آن نیافته است. با این حال، به دلیل امانت‌داری و حفظ اصل اثر بدون هیچ‌گونه دست‌کاری یا ویرایش - خواه مفهومی و خواه نگارشی - اقدام به چاپ این اثر نمودیم تا به مثابه‌ی اثری ناب در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

سرآغاز

بسم الله الرحمن الرحيم

چنان‌که پیش از این بیان شد، آسان در ارتباط با حقایقی بوده؛ و در مسیر دگرگونی و شدنی قرار دارد. وی مأمور است تا آسازان را آماده‌ی نمو و حرکت به سوی کمال بوده؛ و نیازمند بدان می‌باشد. آسان آفرینش مجموعه‌ای از امکانات است که در دسترس وی قرار داده شده است که در مسیر دگرگونی و شدن، آنچه را که بدان نیازمند است از آن گرفته، و در دفع بازدارنده‌ها از آن استفاده کند و آفریننده‌اش مهربان مهرورزی است که همه‌ی آنچه را که در آن مسیر بدان نیاز دارد، برایش آماده گردانیده؛ و اسباب دفع همه بازدارنده‌ها از آن فراهم کرده است؛ و دارنده‌ی روزی است که در آن از وی خواهد پرسید که آیا در نمویختن به استعدادهایش، از امکانات، آن‌گونه که باید استفاده کرده است یا نه؟ به پادشاه نیکویش برسد، و یا راهی را که نباید، پیموده است که به کیفرش دچار شود. و بر این اساس، در مسیر یادشده به وی فرمان داده؛ و در آسان‌گردانیدن فرمانبرداری بی‌شائبه به وی کمک می‌کند؛ که با دانستن این‌که آفریننده‌اش مهربان و مهرورز است مالمال از رغبت، و با دانستن این‌که دارنده‌ی روز جزاست آکنده‌ی از رهبت گشته، و بنابراین از او کاملاً فرمان برده، و برای آسان‌شدن کارش از وی کمک می‌خواهد. و خلاصه

این‌که: با توجه به حقیقت ربوبیت و لازم‌اش یعنی إلهیت آفریننده‌اش، أهل حمد و عبادت و استعانت می‌شود.

اگر انسان از آموختن دانش حقایق یادشده بازمی‌ماند و می‌دانست که چه چیزهایی هستند و چه چیزهایی نیستند، و در پیمودن مسیر نامبرده، بدین‌سوی و بدان‌سوی نمی‌گرایید و آنچه را که می‌بایست انجام می‌داد و از آن‌چه که نمی‌بایست دوری می‌جست، نیازی به آمدن هیچ‌گونه بیانی از جانب خداوند نمی‌افتاد، و در نتیجه، از سوی وی سخنی فرود نمی‌آمد؛ زیرا سخن، یا گزارشی است مربوط به چیزی که در دایره‌ی «بودن و نبودن» جای دارد؛ و یا خواهشی^۱ است متعلق به امری که در محدوده‌ی «شدن و نشدن» قرار می‌گیرد؛ و تنها در زمینه‌ی بیان حقایق یادشده و تعیین حدود مسیر نامبرده است که خداوند به انسان خبری می‌دهد و از وی چیزی می‌خواهد. پس تنها در ارتباط با فراهم‌کردن زمینه‌ی دادن بینش از طریق یادآوری کردن یکی پس از دیگری نشانه‌های مرتبط با آن، و نموبخشیدن به استعدادها، و آموختن بینش و ارزش‌ها، و نشان‌دادن روش درست به‌کار بستن آموخته‌های عملی، خداوند با انسان سخن می‌گوید. و به عبارتی دیگر، این نیاز به هدایت به راه راست ایمان و عمل صالح^۲، همراه آمادگی در یافتن و نگاه‌داشتن آن است که سبب نزول کتاب هدایت خداوندی می‌شود.

شاید گفته شود: از آن‌جایی که سبب نزول کتاب هدایت، عبارتست از نیاز به هدایت همراه آمادگی در یافتن و نگاه‌داشتن آن - که عبارت واحدی بیش نیست - می‌بایست جز یک کتاب فرود نیامده، و جز یک پیامبر برانگیخته نشود؛ پس چرا در فرورستادن کتاب و برانگیختن به پیامبری تعدد رخ نمود؟ در جواب می‌گوییم: نیاز به هدایت، اگرچه حقیقت واحدی است، اما در عینیت یافتن صورت‌های مختلف به خود می‌گیرد؛ و آمادگی در یافتن و نگاه‌داشتن هدایت نیز درجات متفاوتی دارد. و همین اختلاف صورت‌ها و تفاوت درجات در عینیت یافتن است که سبب تعدد یادشده می‌شود. در توضیح این دو مطلب می‌گوییم:

۱. خواهش حاصل مصدر خواستن است. و خواستن سه صورت دارد: خواستن زبردست از زبردست، و خواستن زبردست از زبردست و خواستن مساوی از مساوی. حاصل مصدر، یعنی خواهش هم، در اصل همین سه صورت را دارد. و استعمالش در این‌جا، با نظر به این اصل است؛ و نه به معنی عرفی، که شامل خواستن زبردست از زبردست نمی‌شود.
۲. نیاز به هدایت، ناشی از غافل‌بودن از آن، و یا فراموش کردن آن.

پیش از این روشن شد که مسائل هدایت خداوندی دو گونه است: یکی مسائل پیشینی است که گزارش‌هایی درباره‌ی حقایق هستی می‌باشد. این مسائل از آن جهت که تعلق به حقایق دارد که در دایره‌ی تحول و دگرگونی جای نمی‌گیرند، می‌بایست همیشه به یک صورت باشد؛ و لیکن از آنجایی که گمراهی از این حقایق، دارای صورت‌های گوناگونی: از ساده‌ترین صورت‌ها تا پیچیده‌ترین آن‌هاست، این مسائل صورت‌های گوناگونی بخود می‌گیرد؛ یعنی اگر گمراهی صورت ساده‌ای داشته باشد، هدایت با فروفرستادن مسائل اصلی و با اجمال انجام می‌گیرد. و اگر صورت پیچیده‌ای بخود گرفته باشد، هدایت با تفصیل و ذکر جزئیات و فروع مسائل رخ می‌نماید. پس کتابی که بر امتی که گمراهی صورت ساده‌ای دارد نازل می‌شود، کتابی که بر امتی که گمراهی صورت پیچیده‌ای بخود گرفته است فرود می‌آید، در اجمال و تفصیل در مسائل بینشی، باید فرق داشته باشد، و کتاب یکی - از این جهت - سرآغازی بر دیگری نمی‌باشد؛ و بدین گونه، تعدد در فروفرستادن کتاب و برانگیختن به پیدمیر رخ می‌نماید.

و دیگری ارزشی از انلاقی است که فرمان‌هایی در تعیین حدود مسیر دگرگونی و شدن می‌باشد این - نل خود نیز دو قسم است:

یکی قواعد و مسائلی کلی است که از آن‌ها دربرگیرنده‌ی مسائل جزئی بی‌شماری است. این قواعد نیز مشتمل بر تحول و دگرگونی نبوده، همیشه به یک صورت می‌باشد؛ و لیکن می‌شود که گاهی اوقات آن چنان ساده باشد که نیازی به تبیین بعضی از آن‌ها نبوده، و در نتیجه کتابی به یاد فرزند آید، دربرگیرنده‌ی همه‌ی آن‌ها نباشد، که این کتاب با کتابی که حاوی همه‌ی آن‌ها بود و در اوضاع دیگری باید نازل شود اختلاف داشته، هیچ یک - از این جهت - کاملاً مناسب با اوضاع مربوط به دیگری نباشد. و بدین گونه نیز، تعدد یاد شده رخ می‌نماید.

و دیگری مسائلی است که هر یک به امری خاص تعلق داشته، از احوال و ویژگی برخوردار است که با وجود آن نمی‌شود آن را با عده‌ای دیگر از آن مسائل، جزئیات یک قاعده‌ی کلی بشمار آورده، به جای ذکر آن‌ها به ذکر قاعده اکتفا کرد. این قسم نیز خود دو گونه است:

یکی مسائلی است که در ارتباط با اوضاع و تحولات زمانی و مکانی نبوده، همیشه به یک صورت می‌باشد؛ و لیکن گاهی اوضاع آن چنان نیست که نیاز به تبیین

همه‌ی آن‌ها باشد، و در نتیجه کتابی که باید در آن اوضاع فرود آید، دربرگیرنده‌ی همه‌ی آن‌ها نبوده، با کتابی که حاوی همه‌ی آن‌ها بوده، و در اوضاع دیگری باید نازل شود اختلاف داشته، هیچ یک - از این جهت - مناسبت کامل با اوضاع مربوط به دیگری را نارا نمی‌باشد. و بدین گونه نیز، تعدد مذکور رخ می‌نماید.

و دیگری مسائلی است که در ارتباط با تحولات زمانی و مکانی بوده، همیشه به یک صورت نمی‌تواند باشد؛ و در نتیجه کتابی که در اوضاع ویژه‌ای فرو می‌آید، دربرگیرنده‌ی مسائلی است که مناسب سایر زمان‌ها و مکان‌ها نمی‌باشد؛ آن زمان و مکان‌ها هم به نوبه‌ی خود، نیاز به مسائل دیگر و کتاب‌های دیگری دارد.^۱ و بدین گونه نیز، تعدد مورد بحث رخ می‌نماید.

خلاصه‌ی این بخش این‌که: نیاز به هدایت، در عین این‌که حقیقت واحدی است، صورت‌های گوناگونی بپذیرد، که هر صورت، مقتضی نزول کتاب ویژه‌ای می‌باشد؛ و در نتیجه، باید به صورت کتاب‌های متعددی درآید.

و اما تفاوت درجات امادگی برای دریافتن و نگه‌داشتن هدایت، زاییده‌ی این امر است که نوع انسانی هم همانند فرود رسیدن به کمال در زمینه‌ی نمو استعدادها و به‌اوج‌رسیدن در به‌کار بستن امکانات، ناچار از بردن مسیری تدریجی و مرحله‌ی تکاملی است. یعنی نسل‌های نخستین در زمان‌های نامبرده، در درجات نسل‌های بعدی نبوده، توانایی و امکانات لازم برای دریافتن و نگه‌داشتن هدایت دربرگیرنده‌ی همه‌ی مسائل مورد نیاز آیندگان را ندارند. توضیح امر اول، نمی‌داشتن توانایی لازم برای دریافتن هدایت یادشده این‌که: دریافتن حقیقت جزئیات هدایت، تنها در صورتی ممکن است که اوضاع مقتضی نزولش به‌وقوع پیوسته باشد. و آشکار است که بسیاری از اوضاع مقتضی نزول مسائل کتاب‌های بعدی، در زندگی نسل‌های نخستین وجود ندارد. و توضیح امر دوم، یعنی نداشتن توانایی و امکانات لازم برای نگه‌داشتن آن این‌که: رسانیدن پیام از یک سرزمین به سایر سرزمین‌ها، تنها با به‌کارگرفتن وسائلی امکان‌پذیر است که ایشان از همه‌ی آن‌ها برخوردار نبوده‌اند؛ و رسانیدن آن به نسل‌های بعدی نیز تنها در صورتی شدنی است که، وسائیل کتابت و ضبط در دسترس بوده، تجربه‌ی کافی در دورنگه‌داشتن کتاب از دستبرد دشمنان هدایت، وجود داشته باشد. و آشکار است که این امور، به صورت کامل، تنها در

۱. قرآن از این کلیت مستثنی بوده، دربرگیرنده‌ی چنین مسائلی نمی‌باشد.

مرحله‌ی اخیر از مراحل سیر تکاملی تحقق می‌یابد. و در نتیجه، چاره‌ای نیست جز این‌که پیش از مرحله‌ی اخیر، که با رسیدنش موانع مکانی و زمانی یادشده از میان می‌رود، هدایت به‌صورت کتاب‌هایی که هر یک متناسب با مرحله‌ای از مراحل است فرود آید؛ و بدین‌گونه نیز، تعدد در فرورستادن کتاب و برانگیختن به پیامبری رخ می‌نماید.

و خلاصه‌ی این بخش این‌که: آمادگی دریافتن و نگاه‌داشتن کتاب هدایت درجات متفاوتی دارد، که هر درجه، مقتضی فرودآمدن کتاب ویژه‌ای می‌باشد، و درجه، هدایت باید به‌صورت کتاب‌های متعددی درآید.

گفتیم که سبب فرودآمدن کتاب هدایت، نیاز به هدایت، همراه آمادگی دریافتن و نگاه‌داشتن است؛ و این دو امر - در عین این‌که هر یک حقیقت واحدی است - در عینت یافتن صورت‌های مختلف و درجات متفاوتی دارند؛ و از این جهت سبب نزول کتاب‌های متعدد می‌شوند. و چنان‌که می‌دانیم، بر همین اساس، در مراحل متفاوت زمانی، در بخش‌های مختلف مکانی، کتاب‌هایی، هر یک متناسب با اوضاع موجود در زمان نزول، فرود آمده است؛ آن‌چنان‌که امتی بدون کتاب نمانده است. از جمله: کتاب‌های هدایت است که بر پیامبرانی که یادشان در قرآن آمده، نازل شده است؛ که با دقت در قصص هر یک از ایشان در سخنان فرودآمده بر وی دانسته شده؛ و به تبعیت آن ویژگی‌های اوضاعی که سبب نزول، بوده، روشن می‌شود.

و با گذشت زمان و به‌وقوع پیوستن همه انواع مقتضی فرودآمدن هدایت و رسیدن مرحله‌ی اخیر از مراحل نمو استعدادها را با اوج رسیدن در به‌کار بستن امکانات برچیده‌شدن موانع مکانی و زمانی یادشده، قرآن، کتاب هدایت همه مکان‌ها و زمان‌ها فرود آمد.

گفتیم که کتاب هدایت هنگامی فرود می‌آید که نیاز بدان تحقق یابد، و آمادگی دریافتن و نگاه‌داشتنش به‌وقوع پیوسته باشد. این نیاز و آمادگی هر یک - در عین این‌که حقیقت واحدی است - دارای اجزای فراوان و گوناگونی می‌باشد که تنها به تدریج و در طول زمان، تحقق می‌یابد؛ و در نتیجه، فرودآمدن کتاب، تدریجی و در طول زمان صورت می‌گیرد. توضیح این‌که: هدایت عبارت است از تبیین حقایقی که انسان در ارتباط با آن‌ها می‌باشد و روشن‌گردانیدن حدود مسیر دگرگونی و شدنی که در آن قرار دارد؛ و از آن‌جایی‌که در مسیر نامبرده قرار گرفتن، در حقیقت

عبارت از موضع‌گیری در برابر حقایق یادشده می‌باشد و موضع‌گیری در برابر هر حقیقتی پس از دانستن آن است، نیاز به تبیین حقایق، پیش از نیاز به روشن‌شدن حدود مسیر تحقق می‌یابد. و از آن جهت که آمادگی دریافتن هدایت همراه نیاز بدان به‌وقوع می‌پیوندد، آمادگی دریافتن تبیین حقایق نیز، پیش از آمادگی دریافتن بیان حدود مسیر به وجود می‌آید. و هم‌چنین به تفصیل سخن گفتن در هر یک از این دو زمینه، تنها پس از آمدن سخنی اجمالی، بایسته و به‌جاست. و نیز حقایق نامبرده، از لحاظ اهمیت، مراتب متفاوتی داشته، بیان آن‌ها باید به تدریج و با رعایت تفاوت در اهمیت باشد؛ جز در صورتی که یکی از حقایق، در عین این‌که در ذات خود در مرتبه پایینی قرار دارد، بیانش زمینه‌ساز بیان حقیقت با اهمیت‌تری باشد، که در این صورت، تبیین آن یکی پیشتر باید انجام گیرد. و مراحل حرکت در مسیر دگرگونی و شدن نیز، پیش از این می‌یابد.

اضافه بر این، آن‌هایی که انحرافات غافلین از هدایت، به‌صورت خصلت‌های راسخی بوده، و اتمام نعمت‌ها با شه‌کن شدن این خصلت‌ها، و جایگزین‌گشتن خصلت‌های خداپسند صورت می‌گیرد، و تحقق هر یک از این دو امر، به زمانی نسبتاً دراز نیاز دارد، آمدن هدایت باید تدریجاً و در طول زمان باشد که خلاف آن نایبسته و نابه‌جاست.

و بر اساس این امور بود که نزول قرآن از لوح محفوظ، به تدریجی که از مرز بیست سال گذشت، انجام پذیرفت. در آغاز، سوره فاتحه، که در آن، حقایق و حدود مسیر نامبرده به‌صورتی اجمالی تبیین شده و سرانجام پیمودن و نیمودن راه راست روشن گشته است، فرود آمد، و بدین‌گونه، کتاب هدایت، بر عود اجمالی در دسترس انسان قرار گرفت، که این سوره خود کتابی است در برگیرنده‌ی همه هدایت و سایر سوره‌های قرآن، در تفصیل و تبیین محتوای آن فرود آمده است.

سوره‌ی فاتحه دارای ویژگی است که باید در این‌جا مورد توجه قرار گیرد: سایر سوره‌ها در این امر مشترکند که هنگامی که خوانده می‌شوند، انسان خداوند را گوینده‌ی سخن و خود را شنونده و دریافت‌کننده می‌یابد؛ حتی سوره‌های عصر و اخلاص و کوثر هم از این وصف مستثنی نیستند. اما سوره‌ی فاتحه به‌گونه‌ایست که هنگامی که قرائت می‌شود این احساس به انسان دست می‌دهد که گوینده او، و شنونده خداوند است؛ و سخن خدا بودنش از جهاتی دیگر؛ و نه از این جهت،

دانسته می‌شود.

این امر گویی با زبان حالش می‌گوید که انسان تنها هنگامی از شنیدن سخن خداوند سودی می‌برد که اهل این سوره گشته، با قرائتش، در ارتباط با حقایق بودن و سلوک راه ایمان را آغاز کردن و به کمک خداوند در مسیر انجام دادن عمل صالح و حرکت در جهت دگرگونی و شدن قرار گرفتن و استحقاق رسیدن به خوشبختیش را بیان کند؛ که اگر بدین گونه اهل این سوره گردد، در هدایتش به راه ایمان و عمل صالح، به تفصیل سخن فرود می‌آید.

و پس از نزول این سوره، سایر سوره‌های قرآن پی‌درپی فرود آمدن گرفت. از آن جایی که فراخواندن به ایمان - آن‌چنان‌که گفتیم - مقدم بر واداشتن به عمل صالح است، نخستین سوره‌ها در زمینه‌ی تبیین حقایق بود. این امر ادامه یافت، و خواستار آن جز در خیر یکی پس از دیگری، از ظلمات جاهلیت به سوی نور هدایت بیرون آمدن، تا این زمین‌ی به‌پاداشتن مجتمعی بر اساس ایمان و عمل صالح فراهم شد، که سوره‌های عمل بر تفصیل حدود مسیر و احکام متعلق به مجتمع، فرود آمدن گرفت (در ترتیب سوره فاتحه نیز - چنان‌که ملاحظه می‌شود - حفظ شده است).

البته این سخن بدین معنی نیست که در مرحله‌ی یکم چیزی جز بیان حقایق، و در مرحله‌ی دوم چیزی جز تعیین حدود و فرود ستادن احکام صورت نگرفته است؛ چگونه این را می‌توان گفت، در حالی که در سوره دگرگونی و شدن قرار گرفتن در حقیقت - آن‌چنان‌که گفتیم - موضع‌گیری در برابر حقایق بوده و عمل صالح ثمره‌ی ایمان است، و موضع‌گیری از حقیقت، و ثمره از اصل جدا نمی‌نست؛ و بر همین اساس، قرآن از همان آغاز، در کنار بیان حقایق و فراخواندن به ایمان بدان‌ها، در تعیین حدود مسیر و واداشتن به عمل صالح نیز به صورتی اجمالی سخن گفته است؛ و در مرحله‌ی دوم هم، هیچ‌گاه تعیین حدود جدای از بیان حقایق فرود نمی‌آید؟!

بلکه مراد این است که آن‌چه که در مرحله یکم به تفصیل از آن سخن گفته شده است حقایق است، و در زمینه‌ی احکام به تعیین حدودی اجمالی و فرورستاندن احکامی که تربیت فرد بدون آن‌ها صورت نمی‌گیرد اکتفا شده است؛ به‌خلاف مرحله‌ی دوم که در آن، سخن مفصل در ارتباط با احکام بوده، و در زمینه‌ی حقایق تنها یادآوری‌هایی آمده است.